

بحثی کوتاه در مورد دو مسئله مهم

۱ - در مورد فعالیت دمکراتیک

درک از فعالیت دمکراتیک موضوعی است که در جنبش زنان مطرح بوده و هست. درک ناروشن بر سر این موضوع موجب تضعیف وحدت زنان و شکل نگرفتن تشکلات جدی و موثر زنان میشود. درک رایج از فعالیت دمکراتیک تقلیل دادن این موضوع به رای و رای گیری و بطور کلی فرمهای سازمانی و روشهای کاری است. اگرچه اینها وجوهی مهم از پیشبرد فعالیت دمکراتیک اند، اما مهمترین و اصلی ترین مشخصه یک تشکلات دمکراتیک مضمون و وظایف سیاسی است که آن تشکلات پیشاروی خود قرار می دهد. به این معنا که آیا اهداف و خواسته ها و وظایف اعلام شده آن تشکل بیان منافع زنان ستمدیده هست یا خیر؟ آیا خواستهای عادلانه اکثریت زنان را جلو می گذارد؟ آیا به روحیه شورشگرانه در میان زنان علیه هر شکلی از ستم دامن می زند یا نه؟ آیا برای خواستهای اصلی اکثریت زنان همانند سرنگونی رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی بعنوان اولین و بزرگترین مانع آزادی زنان مبارزه میکند یا نه؟ اینها مهمترین وجه دمکراتیک بودن یک تشکل و درجه پیگیری آنرا در زمینه دمکراتیسم نشان می دهد.

ویژگی دیگر یک تشکل دمکراتیک این است که در چارچوبه یک اتحاد سیاسی روشن، گرایشات و طرز فکرهای متفاوت می توانند گرد هم آیند و متحدانه مبارزه مشترکی را سازمان دهند. وجود نگرشها و راه حلهای مختلف در جنبش دمکراتیک زنان امری طبیعی است چرا که علیرغم ستم مشترکی که بر کلیه زنان روا می شود زنان نیز به اقشار و طبقات مختلف تقسیم می شوند. در نتیجه بدون پیشبرد یک مبارزه دوستانه میان گرایشات مختلف در یک چارچوبه مردمی و رزمنده اتحاد دمکراتیک میسر نیست. این خصلت مهمی است که باید در شکل سازمانی و روشهای مبارزاتی تشکل دمکراتیک منعکس شود. تقلیل فعالیت دمکراتیک به فرم سازمانی و روشهای کاری یعنی هرم را روی راس قرار دادن. چنین درکی موجب اشاعه سطح نگری در مورد مضامین اصلی و مهم فعالیت دمکراتیک می شود و زنان را در مقابل جریانات راست و فرصت طلب خلع سلاح می کند.

بی شک فرم سازمانی و روشهای یک تشکلات دمکراتیک نیز باید متناسب با مضمونش باشد. نمی توان یک مضمون دمکراتیک را به شیوه ای غیر دمکراتیک پیاده کرد. مضمون دمکراتیک نیازمند فرم و روشهای کاری دمکراتیک است. در این زمینه مهمترین مسئله این است که اراده جمعی اعضاء این تشکلات اعمال شود؛ هر یک از اعضاء آن فعالانه در سرنوشت سیاسی تشکلات و تعیین جهتگیری های اصلی آن دخالت کنند؛ هر چه بیشتر برای پیشبرد امور به اشکال جمعی فعالیت اتکاء شود؛ مباحث و مسائل مهم و جدی به بحث جمعی گذاشته شوند؛ تجارب مبارزاتی در اختیار همه قرار گیرد؛ مسئولین اصلی و مسئولین واحدها انتخاب شوند؛ و روشهای مناسبی برای پیشبرد مبارزه میان گرایشات مختلف بکار برده شود. (۱)

۲ - رابطه دخالت زنان در مبارزات سیاسی عمومی با مبارزه علیه ستم جنسی

یکی از نقاط قوت برجسته فعالیت ما در ایندوره کشاندن هر چه بیشتر زنان به عرصه سیاست و مبارزه سیاسی بوده است.

این مهمترین عرصه ای است که زنان همواره از دخالت در آن منع شده اند و کماکان این بزرگترین حصار است که دور جنبش زنان کشیده شده و باید درهم شکسته شود.

ما از آغاز فعالیتهایمان بر سیاسی بودن جنبش زنان تاکید زیادی نهادیم. بر مبنای تجاری که طی ایندوره کسب کردیم درک بالاتری از این امر و چگونگی عملی نمودنش یافتیم. ما توانستیم بطور واقعی و خلاقانه مسئله زنان را در رابطه با مهمترین عرصه های مبارزاتی جاری طرح کنیم. با دیدی «زنانه» در مبارزات سیاسی شرکت کنیم، یعنی از زاویه منافع زنان مسائل را طرح کنیم. برای مثال می توان به کارزار دهمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی نگاه کرد که یکی از نمونه های برجسته فعالیت ما بود. در آن کارزار، ما بدرستی بر ستم مضاعفی که بر زندانیان سیاسی زن اعمال می شد انگشت نهادیم. در موارد دیگر تلاش کردیم ربط شرکت در مبارزات مهم سیاسی را با منافع زنان نشان دهیم، بر خواسته های مشخص زنان در قطعنامه های تظاهراتهای مختلف انگشت گذاریم و تلاش کنیم که زنان در صف مقدم مبارزات سیاسی گوناگون قرار بگیرند. پس بی جهت نبود که فعالیتهای ما نظر و توجه زنان زیادی را بخود جلب کرد.

اما این امر به معنای آن نیست که کمبودهایی در فعالیتهای ما بچشم نی خورد. ما نیازمند سازمان دادن فعالیت های همه جانبه تری هستیم. ما باید بیشتر بتوانیم ستم جنسی را در کلیه عرصه های اجتماعی به مصاف بطلبیم. این امر برای توده ای تر شدن تشکل ما ضروریست. فعالیت ما نمی تواند فقط به افشای مرد سالاری در عرصه سیاست محدود بماند؛ یا این فعالیتها فقط در عرصه مبارزات عمومی سیاسی سازمان یابد؛ اگر چه این عرصه محوری ترین بخش مبارزات ما را تشکیل داده و خواهد داد. باید یاد بگیریم که در کلیه عرصه های اجتماعی بطور همه جانبه تری مرد سالاری را افشاء کنیم و زنان را برانگیزانیم تا بتوانیم مبارزات موثرتری سازمان دهیم. فی المثل برخی سخنرانی های ما که مستقیماً به افشای اشکال گوناگون ستم جنسی می پرداخت و باعث بغض و عصبانیت برخی مردان شد، زنان بیشتری را به فعالیتهای ما علاقمند کرد؛ برخی منابع آموزشی که در افشای ستم جنسی به زنان دادیم، بیشتر حساسیت زنان را بر انگیختن بی جهت نیست که اینگونه فعالیتهای ما با یکی از رایجترین اشکال مقاومت که عمدتاً از جانب مردان صورت می گیرد، روبرو شده است. این مقاومت تحت عناوینی چون «کمیته هشت مارس می خواهد خانواده ها را از هم بیاشاند» «کمیته هشت مارس ضد مرد است» و غیره ابراز می شود. هر جا با اینگونه تبلیغات روبرو می شویم، نشانه آن است که داریم بخوبی انجام وظیفه می کنیم و مرعوب مردان و مردسالاری نشدیم.

در عین حال باید توجه داشت که بدون مبارزه با ایده های رایجی چون «جنبش زنان صنفی است» یا «مبارزه علیه ستم جنسی ربطی به سیاست ندارد و نباید شعار سرنگونی جمهوری اسلامی را پیشرو خود قرار دهد»، نمی توان مبارزه جدی و همه جانبه ای را علیه ستم جنسی به پیش برد. این قبیل استدلالات نه تنها به پیشبرد مبارزات انقلابی یاری نمی رساند بلکه عملاً با منفعل کردن زنان در مبارزه سیاسی موجب تضعیف گرایشات انقلابی جنبش زنان می شود و دست جریاناتی را که تلاش میکنند جمهوری اسلامی را از تیر رس مبارزه زنان خارج سازند، باز می گذارد. این قبیل استدلالات موجب می شود که صحنه سیاسی هر چه بیشتر مردانه باقی بماند. طرح مسئله زنان یعنی انگشت گذاشتن بر یکی از حساس ترین مراکز عصبی جمهوری اسلامی. نادیده انگذاشتن مسئله زنان چشم بستن بر این واقعیت اساسی است که ستم بر زنان در تار و پود کلیه مناسبات اجتماعی بافته شده و قدرت سیاسی جمهوری اسلامی با تمام قوا پشت آن ایستاده

است. هر گونه اقدام برای تغییر وضعیت زنان به معنی رو در رو شدن با حاکمیت اسلامی است. این هم واقعیتی است که زنان فقط با قدرت سیاسی حاکم روبرو نیستند، آنان با قدرت مردان هم روبرویند. بسیاری از زنان شورش علیه دولت را از شورش علیه دولت کوچکی که در خانه حاکم است و دست و پای شان را بسته و آنها را از صحنه اجتماعی دور نگاهداشته، شروع می کنند. باید به برانگیختن زنان برای گسستن زنجیرهای بردگی و پیوستن آنها به صفوف سازمان یافته، متحد و انقلابی زنان در راه زیر و رو کردن کل جامعه، توجه کافی کرد.

سستی که هر روزه بر زنان در عرصه های گوناگون فقط به دلیل زن بودنشان اعمال می شود، خواست و اشتیاق مقاومت و مبارزه را در میان توده زنان بر می انگیزد. آنان می خواهند کاری انجام دهند. عموماً بسیاری از زنان بطور خودبخودی ستم بر خود را در چار دیواری خانه می بینند و درکشان از رهایی نیز رها شدن از ستمهای پدر یا شوهر است. در حالیکه ستم بر زن بسیار گسترده تر از چار دیواری خانه است و اساساً توسط یک کل بزرگتر بنام جامعه و در راس آن دولت است که از موقعیت فرودست زنان توسط قوانین، عرف، شرع و فرهنگ و ایده های مسلط دفاع می کند. بنابراین باید همواره تلاش کرد که دید زنان از مبارزه علیه مردسالاری گسترده تر شود، تا فعالانه تر و همه جانبه تر بتوانند هم مبارزه علیه نظامهای مردسالار را به پیش برند و هم مبارزه علیه امتیازاتی که این نظامها در کنترل و سرکوب زنان به مردان می دهد. مبارزه زنان با رژیم جمهوری اسلامی که دژ اصلی زن ستیزی است و مبارزه زنان علیه مردان که اغلب بعنوان برده دار عمل می کنند، ارتباط تنگاتنگ دارند و به تقویت هم یاری می رسانند. توجه به هر دو وجه این مبارزات برای پیشرفت جنبش زنان و توده ای شدن تشکل زنان ضروریست.

۱ - برای بحث بیشتر در این زمینه می توانید به جزوه پاسخی به انتقادات «فصلنامه زن» رجوع کنید.